



۵ هزار توریست و این همه دنگ و فنگ؟!

آقای سردبیر

با سلام، بر اثر مطالعه مداوم مجله وزین گزارش متوجه شده‌ام که با خلوص نیت امکانات مجله را برای بازگویی مشکلات عمومی در اختیار اهل درد قرار داده‌اید، لذا حیفم آمد مشکلی را که مبتلا به عده زیادی است برای درج در اختیار شما نگذارم. و اما شرح مشکل:

چندی پیش به اتفاق یکی از بستگان که پس از سالیان دراز اقامت در یکی از کشورهای اسکانديناوی برای دیدار پدر و مادر خود به تهران آمده بود به دیدار دوستی قدیمی که مدیریت یکی از آژانسهای مسافرتی تهران را عهده‌دار است رفتیم تا مشکل تهیه بلیت برگشت این وابسته عزیز را حل کنیم. با اینکه دفتر آژانس شلوغ نبود و خبر از بی‌رونی کسب و کار می‌داد ولی متأسفانه نتوانستیم حتی برای یک ماه بعد هم جانی در یک پرواز برای مراجعت مسافران تهیه کنیم. از این دوست قدیمی‌ام، یعنی مدیر آژانس سوال کردم با اینکه خلوتی دفتر حکایت از بی‌رونی کسب و کار می‌کند چطور بلیت پروازها کلاً فروش رفته، و فروشنندگان چه کسانی هستند؟ در پاسخ گفت که برای یک ماه آینده نه فقط در این مسیر، بلکه در اکثر مسیرهای اروپا و آمریکا به دشواری می‌توان بلیت هواپیما تهیه کرد و به نظر می‌رسد که بیشترین فروش بلیت پروازها هم توسط خود شرکتهای هواپیمایی انجام می‌شود. مضافاً اینکه با سیاستی که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان هواپیمایی کشوری، بدون در نظر گرفتن واقعیات حاکم بر سرنوشت صف ما اتخاذ کرده‌اند مجوزهای متعدد و بی‌رویه‌ای برای تأسیس آژانسهای جدید که اکثراً فاقد توانائیهای تخصصی و حرفه‌ای نیز هستند، صادر شده و لذا

همین تعداد محدود مسافر کشور هم بین این دفاتر تقسیم شده و وضع به همین صورتی در آمده که می‌بینی. این دوست مطالب دیگری هم از مشکلات آژانس‌ها از جمله کاهش کارمزد فروش بلیت هواپیما برای آژانسهای مسافرتی تهران- شرح داد که چون جنبه صنفی دارد از ذکر آنها خودداری می‌کنم زیرا هدفم از نوشتن این نامه طرح یک موضوع عمومی است که با حقوق شهروندان ارتباط دارد. این موضوع هم مربوط می‌شود به تورهای مسافرتی خارج که ضمن حرفهای ما مطرح شد و دوستم مطلبی را عنوان کرد که برابم خیلی تعجب‌آور بود.

وی گفت: اولاً عده کسانی که با این تورها سفر می‌کنند در مقابل کل مسافریں خارج از کشور بسیار ناچیز است. براساس آمار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اگر تعداد مسافرینی که در سال از فرودگاههای کشور خارج می‌شوند در حدود یک و نیم میلیون نفر باشد، کل عده مسافرینی که با تور سفر می‌کنند- بدون در نظر گرفتن زواری که برای حج تمتع و عمره و زیارت قبور متبرکه در دمشق با سازمان حج و زیارت به سفر می‌روند- بیش از پنج هزار نفر در سال نمی‌شود و حتماً برایت تعجب‌آور است که با امکاناتی که سفرهای دسته جمعی- چه از لحاظ آمایش و ارزانی و چه از نظر راحتی و ایمنی- دارد، مردم ما رغبتی برای مسافرت با تور نشان نمی‌دهند. علت این است که برنامه‌ریزی برای این سفرها برخلاف همه نقاط جهان، با مشکلات خاصی روبرو است که حل آنها کفش و عصای آهنی و گذاشتن از هفت خوان رستم را می‌طلبد. گذشته از تمامی مشکلاتی که برای اخذ ویزا و مسائل مربوط به آن باید متحمل شد، و از چندین ماه

قبل هم سندلی‌های مورد نیاز را در هواپیمایی‌ها ذخیره، و حتی در مواقعی پیش خرید کرد، باید زمانی طولانی را به کسب اجازه از اداره کل نظارت بر خدمات سیاحتی و زیارتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اختصاص داد.

گرفتن اجازه چاپ آگهی تور شامل تشریفات خاصی است؛ اتاقی بنام اتاق نرخ در اداره کل نظارت در طبقه اول ساختمان حج و زیارت وجود دارد که همه آژانسهای دست‌اندرکار تشکیل تور، بخصوص تورهای خارج، موظف هستند چند ماه قبل فهرستی از مکاتبات خود با کارگزاران خارجی را که شامل اسم- آدرس- دیدارها و بخصوص قیمتها است برای این اتاق بفرستند تا مورد بررسی و تأیید کارشناسان آن قرار گیرد. روزهای متعددی این مکاتبات در پرونده‌ها انباشته می‌شود تا زمانی برسد که مجوزی برای تور و چاپ آگهی صادر شود. ناگفته نماند که می‌گویند آدرس کارگزاران بعضی از آژانسها توسط «دوستان» به رقبا هم داده می‌شود تا بازار رقابت گرم‌تر شود! اما از همه جالب‌تر این که هر آژانس خصوصی باید به همراه تور یک ناظر ارشاد را هم با خودش ببرد. اولاً مسافرین به محض آن که مطلع می‌شوند از طرف وزارت ارشاد ناظری همراه تور است، از خیر تور می‌گذرند و یا بطور انفرادی سفر می‌کنند و یا بطرف مؤسسات دولتی و نهادی می‌روند که وزارت ارشاد نمی‌تواند ناظرین خود را بر آنها تحمیل کند. یعنی در واقع ما با یک بام و دو هوا مواجه هستیم. بخش خصوصی موظف به پذیرش ناظر است، اما بخش غیرخصوصی خیر!

مهم‌تر این که هزینه بلیت سفر، عوارض خروج از کشور، اخذ ویزای مسافرت، اقامت و صبحانه، دیدارها و گردشهای داخلی و بخصوص مبلغی در حدود هفتاد دلار دستمزد این ناظر را باید آژانس‌ها، و با در واقع مسافرین بپردازند که بنظر می‌رسد حتی از لحاظ شرعی جایز نباشد که با اکراه از مردم پولی گرفته شود تا برایشان ناظری اعزام شود. اوائل کار می‌گفتند که وجود این ناظر برای نظارت بر اعمال مسافرین لازم است. واقعاً اگر چنین باشد، باید برای تمامی یک و نیم میلیون مسافر سالیانه هم ناظرانی اعزام کرد. بعداً گفتند که ناظر برای حفظ حقوق مسافرین است تا آژانسهای بی‌انصاف سر آنها کلاه نگذارند که این استدلال هم بنظر منطقی نمی‌رسد و می‌توان به روشهای کارسازتری متوسل شد. مثلاً در فرودگاهها مأمورینی مستقر کرد تا آنها از مسافرینی که با تور مسافرت کرده و به کشور باز گشته‌اند بخواهند اگر از طرف دایرکنندگان تور به آنها اجحاف شده مراتب را اعلام کنند. واقعاً برای ۵ هزار نفری که سالیانه با تورها به مسافرت خارج می‌روند این همه دنگ و فنگ لازم است؟

این دوست می‌گفت کار آژانس‌داری آنقدر مشکل شده که می‌خواهم عطایش را به لقایب ببخشم و کارم را تعطیل کنم. چون در نوشته‌های شما آقای سردبیر خواندم که نوشته بودید مشکلات یک خانواده و یک ملت را یاس و ناامیدی حل نمی‌کند. درد دل این دوست پیر را برای شما نوشتم تا بازگو کنید تا به امید خداوند دولتمردانی که به دنبال رفع تنگنای صنعت جهانگردی کشور هستند به این مقوله هم نظری داشته باشند. انشاء...

با احترام

امضاء محفوظ

سردبیری- آنچه موجب شد این دیدگاه را منعکس کنیم فقط محدود به موضوع مربوط به تعیین ناظر برای تورهای مسافرتی نیست. گو این که در همین زمینه هم اجبار همراه بردن ناظر بوسیله بخش خصوصی و نبود این اجبار برای آژانسهای دولتی و نهادها، نوعی تبعیض غیرقابل توجیه است. اما اصل قضیه برمی‌گردد به نابسامانی در صنعت توریسم ایران.

می‌گویند سال گذشته از محل توریسم سیصد میلیون دلار درآمد ارزی داشته‌ایم. اگر کسب این درآمد تحقق هم یافته باشد، باز در مقابل سهم واقعی ما از درآمد سالانه توریسم جهانی قطره‌ای است در

مقابل دریا.

تعداد کشورهای که از لحاظ تنوع و وسعت جاذبه‌های توریستی قابل مقایسه با ایران باشند از رقم انگلستان یک دست هم تجاوز نمی‌کند. اما بیایم و درآمد آن کشورها از توریسم را با درآمد خودمان مقایسه کنیم تا آه از نهادمان برآید.

خیلی کسان توریسم را مترادف با مسافرت گروهی عیاش و خوشگذران می‌دانند. در حالی که طبق آمار رسمی سازمانهای بین‌المللی، اکثریت توریستهای جهان را توریستهای فرهنگی تشکیل می‌دهند. از این قشر گذشته، بسیاری از جهانگردان برای دیدن جاذبه‌های طبیعی کشورهای دور و نزدیک چمدان سفر می‌بندند.

اگر در کشور ما برنامه‌ای منسجم برای جذب همین دو گروه توریست اجرا شود، و یک سازمان کارآ متولی این کار باشد، بی آنکه مجبور باشیم ارزشهای ملی- مذهبی خود را فدا کنیم قادریم سالی چند میلیارد دلار درآمد از محل توریسم داشته باشیم.

در همین زمینه گزارشی در شماره ۴۴ ماهنامه زیر عنوان «دفع توریست، نه جذب توریست» چاپ کردیم که در آن برخی دلایل عدم موفقیت غم‌انگیز کشور در جذب توریست و کسب درآمدی که حتی

می‌تواند با درآمد حاصل از فروش نفت برابری کند، تشریح شده بود. اینک هم آماده‌ایم اگر مسئولان صنعت جهانگردی و متولیان آژانس‌های توریستی در بخش‌های خصوصی، دولتی و نهادهای آمادگی داشته باشند این مبحث را در ابعادی وسیع‌تر مورد ارزیابی قرار دهیم تا شاید به یک راه حل قطعی و کارساز برای رونق بخشیدن به صنعت توریسم برسیم.

گرفتاری ما در زمینه مورد بحث این نیست که اعزام اجباری ناظر بازار آژانسهای توریستی را بی‌رونق کرده، و یا تشکیل تعدادی آژانس جدید بر کسب و کار آژانسهای قدیمی تأثیر منفی گذاشته است. مشکل در فقدان یک سیاست کارساز در زمینه توریسم، چه داخلی، چه خارجی است. اگر صنعت توریسم رونق بگیرد همین آژانسها می‌توانند هم تور به خارج ببرند و هم از خارج به ایران تور بیاورند. در آن صورت کسب و کار همه رونق خواهد یافت، بازار رقابتی موجب خواهد شد آژانسها برای ارائه خدمات مطلوبتر مسابقه بگذارند، و از همه مهم‌تر این که در این بُرهه از زمان که با بدهی خارجی و تنگنای ارزی مواجهیم به منبعی سرشار از ارز دسترسی یابیم. اما آیا همتی هست؟

فرم اشتراک ماهنامه گزارش

اینجانب: فارغ التحصیل رشته: مسئولیت فعلی: ارائه دهنده تولیدات خدمات

.....

به نشانی:

کد پستی: تلفن: فاکس: درخواست اشتراک ماهنامه گزارش را از شماره به مدت یک سال داریم.

برای اینکه مجله شما ناقص نشود می‌توانید از این قسمت کپی تهیه کرده و ارسال نمایید.

توضیحات:

۱- دانشجویان، دانشگامیان و فرهنگیان و محصلین باپرداخت حق اشتراک یک ساله، تعداد ۱۵ شماره ماهنامه را دریافت خواهند کرد. قبول این تخفیف منوط به تأیید واحد تحصیلی یا فرهنگی مربوطه خواهد بود.
۲- لطفاً وجه اشتراک را به حساب جاری ۱۸۸۸ بانک صادرات شعبه ۷۹۰ تهران، شعبه گلزار (نیش اسفندیاری)، خیابان دکتر متحج، نیش کوچه گلزار (قابل پرداخت در تمام شعب بانکها) واریز و اصل فیش آن را همراه درخواست اشتراک بوسیله صندوق پستی ۱۳۱۵۵-۵۴۶۷ تهران به دفتر مجله ارسال کنید.

● کد اشتراک قبلی:

● شماره‌های قبلی مجله هر نسخه ۲۰۰۰ ریال به فروش می‌رسد.

لطسای جدید ماهنامه ۸۸۲۲۳۶۱ و ۲ و ۸۸۲۲۷۳۰

نوع اشتراک	حق اشتراک یکساله
مؤسسات دولتی و ارگانها	۳۰۰۰۰ ریال
افراد	۲۵۰۰۰ ریال
برای کشورهای آسیایی	۲۶ دلار آمریکا یا معادل ریالی
برای سایر کشورها	۳۵ دلار آمریکا یا معادل ریالی

۳- علاقمندان به اشتراک در خارج از ایران می‌توانند به دو صورت زیر عمل کنند:

الف- مبلغ اشتراک را به حساب پس‌انداز شماره ۷۱-۱۱۴۱۹۲-۰۴۰۰۰ بانک ملی ایران شعبه پاریس به نشانی 43, avenue Montaigne - 75008 PARIS Telephone: 47.23.78.57 , Telex: 641 506 MELBAN واریز و اصل حواله را (آدرس و مشخصات با حروف بزرگ لاتین) به نشانی مجله گزارش،

صندوق پستی ۵۴۶۷-۱۴۱۵۵ تهران - ایران با پست سفارشی ارسال کنند.

ب: یا معادل ریالی آن را توسط اقوام یا دوستان خود در ایران به حساب جاری ماهنامه گزارش واریز و قبض آنرا همراه با نشانی کامل (آدرس و مشخصات با حروف بزرگ لاتین) به نشانی مجله ارسال کنند.